



هرملتی تاریخ خود را دارد که مرتبط با جغرافیای زمان خویش آن را ساخته و آئینه تمام و کمال هستی امروزش است. گاهی به پیش می‌رود و راه کمال می‌جوید و گاهی همان جا سکنا می‌گزیند و با تغییر سال‌ها و سده‌ها، مدرنیته پسمادرن متمدن سوار بر ماشین زمان از کنارش می‌گذرد، بر پیش پایش می‌ایستد که سوار بر مرکبش کند، اما ملت هنوز نگاهش به پشت‌سر است که نیاکانش کی از راه برسند دوباره، تا بر محملشان طی طریق کند. درمقابل، ملتی که ساز خود را با ساز تحول و ساعت خود را با ساعت زمان کوک کند، بر تحولات عصر خویش سوار است و با اعتماده نفس بر گزاندیشی‌ها می‌تازد. مردمان هردیار به اندازه توانشان در این تحولات و گزاندیشی‌ها نقش ایفا می‌کنند. نیمی از آنان مرد و نیمی زن هستند؛ در دیاری مردان راکبان همیشگی تحول و ارتقای جوامع خویش بوده‌اند و در دیاری دیگر زنان نیز پویا و آگاه بر مرکب تحول رانده‌اند.

امروزه یکی از شاخصه‌های مهم میزان تحول و پیشرفت هر جامعه‌ای، وضعیت زنان آن جامعه است، چراکه زنان به‌عنوان نیمی از شهروندان آن جامعه، حاملان فرهنگ و زبان ملت خویش هستند و نقش مهمی در اعتلای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن ایفا می‌کنند که این خود نیز ریشه در پیشینه فرهنگی و تاریخی آن ملت دارد و شاید همین دلیل قانع‌کننده‌ای باشد بر هر آنچه جفاست که بر زن می‌شود، چراکه در تخاصم‌های میان دورقیب، زنان آسیب‌پذیرترین قربانیان محسوب می‌شوند.

از نبرد کردها در جبهه کوبانی علیه داعش بسیار شنیده و دیده‌ایم. اینکه داعش چگونه و برای چه به‌وجود آمد، آبشخورش کجاست، چگونه تأمین می‌شود، تا کجا پیش می‌رود، برای‌جا مفید است و سوالات دیگر، اگرچه بسیار مهم هستند، اما موردبحث قرار نمی‌گیرند. آنچه مهم است و توجه جهان را به خود جلب کرده حضور شورانگیز زنان و مادرانی است که خود آستین بالا زده‌اند تا این بار نه در خانه که در جبهه نبرد از خانواده، همسر و فرزند خود حمایت کنند.

زنان درگیر جنگ در کوبانی به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. آتانی که با فرزندان خود آواره شدند و در آن سوی مرز سکنا گزیدند و آتانی که در داخل شهر ماندند و مبارزه کردند. گروه دوم خود دودستانند؛ آن دسته زانی که به‌دلیل کھولت سن یا عدم توانایی مبارزه در داخل جنگ نقش پرستار و سادر را برعهده دارند و غذای مبارزان را فراهم می‌کنند و آتانی که فعالانه سلاح به دست گرفته‌اند و علیه دولت اسلامی می‌جنگند.

زنانی که مرزهای سرزمین خود را درنوردیدند و به همسایه پناه آوردند، آنان سادران آواره فرزندان بی‌پناه خویش‌اند که مردان و پدرانشان اغلب درحال نبرد با دشمن در این سوی مرزها هستند؛ پدرانی که تنها با تکیه بر قدرت همسران خویش در پاسداری از فرزندانشان، می‌توانند به مبارزه ادامه دهند. این‌گونه زنان کم از مردان خود نیستند.

گروهی دیگر از زنان با پیوستن به یگان‌های مدافع زنان YPJ که خود شاخه‌ای از یگان‌های مدافع خلق YPG است بر برابری خود با مردان مهر تأیید زدند. برخی منابع از حضور قریب به ۱۰هزار سرباز زن در کوبانی خبر می‌دهند، به‌این‌ترتیب رقتی معادل ۳۵درصد -بهتر بگوییم- یک سوم مبارزان کوبانی را زنان تشکیل می‌دهند.

بعضی از منتقدان تأکید بر تصاویر زنان در حال جنگ، توسط رسانه‌های جریان اصلی را استفاده‌ای تبلیغاتی از جنس زن می‌دانند زیرا پس از آن بود که نبرد «استالینگرادی» کوبانی توجه جهانیان را به خود جلب کرد و موج حمایت از کردهای ایل مدافع کوبانی، کشورهای مختلف را دربرگرفت، اما گروهی دیگر با رد این مدافع معتقدند این زنان بازیکران هالیوود نیستند که در صحنه نبرد فیلمی اکشن بازی کنند، پس چنین زانی واقعیت خارجی دارند و در صحنه‌های واقعی جنگ نقش ایفا می‌کنند.

اما چرا زنان در مناطق دیگر جهان این‌گونه فعالانه دست‌به‌کار دفاع از سرزمین و کیان خود نشدند؟ جواب این سوال سر از برگ‌های تاریخ کرد درمی‌آورد.

نقش اجتماعی زنان کرد در تاریخ به دلایل گوناگون ازجمله کمبود اسناد و منابع و ضعف در تحقیقات، مهجور مانده است، اما آن‌گونه که از منابع محدود تاریخی برمی‌آید زنان در تاریخ کردستان از جایگاه مهمی برخوردار بوده‌اند. در اواسط قرن نوزدهم میلادی «ملامحمد بازیدی» بازتاب تاریخی حضور زنان در جوامع قبیله‌ای و ابتدایی را موردبررسی قرار داده است. «زنان ایلاتی تمام امورات مربوطبه پرورش حیوانات را که اصلی‌ترین غذای آنان و مهم‌ترین فعالیت ایل محسوب‌می‌شده عهده‌دار بوده‌اند و درعین حال در زمان جنگ نیز دوشادوش مردان به حفاظت و پاسداری از ایل خود پرداخته‌اند.» وی این زنان را «زنان ویژه‌ای» می‌خواند که به‌طور همزمان نقش‌هایی ازجمله همسر، خدمتکار، نگهبان و جنگجو را داشته‌اند. بازیدی در مجموع زنان عشایر و روستا را در کردستان عاقل، دانا و دارای صفات انسانی می‌خواند که با مردمان سرزمین‌های دیگر و غریبه‌ها به گرمی رفتار می‌کرده‌اند.

نمونه‌های متعددی نشان از وجود زنان حاکم در میان جوامع و قبیله‌های



کرد دارد؛ امری که شاید در دیگر جوامع خاورمیانه بدیلی نداشته باشد. تاریخ‌نویسان و گردشگران غربی که به مناطق از کردستان سفر کرده‌اند، در سفرنامه‌های خود از زنان حاکم در کردستان نام می‌برند که بر منطقه خود حکم می‌رانند. یگ‌گردشگر اروپایی به‌نام «پترودلوارو» که در سال‌های دهه ۲۰ قرن هفدهم میلادی از بغداد به سوی مرزهای ایران در سفر بوده، از میهمان‌نازاری یکی از حاکمان زن به‌نام «خانوم‌سلطان» در قصرشیرین در مناطقی از غرب کرمانشاه، سخن به میان می‌آورد.

درهمین‌راستا یکی از قدرتمندترین و نافوذترین زنان حاکم کرد، «عاده خانم جاف» (۱۸۵۹–۱۹۲۴) بوده که پس از فوت همسرش عثمان‌پاشا در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۴، ریاست ایل جاف را در حلبچه برعهده گرفت. عاده‌خانم حتی در زمانی که عثمان‌پاشا در قید حیات بود، در دستگاه سیاسی همسرش دارای نفوذ بسیار بوده است. انگلیسی‌ها به او لقب «خان‌بهادر» داده بودند و برخی دیگر وی را «ملکه بدون تاج»؛ «شارزور» خطاب می‌کردند. نمونه‌های دیگری نیز از زنان کرد که قبایل خود را پس از فوت همسرانشان رهبری می‌کردند در دست است. اینگونه زنان تا به‌بلوغرسیدن فرزندان هدایت و رهبری جامعه خویش را عهده‌دار بودند. از جمله، «پری‌خان‌خاتون»، ایل‌رامان (در ماردین امروزی) را تا زمان بلوغ فرزند پسرش (امین) حکمرانی کرد. پس از به‌قدرت‌رسیدن پسرش لقب «امینه‌پری‌خان» را به نام مادرش به او دادند که نشان از نفوذ و قدرت مادر داشت. دیگر زن قدرتمند آن زمان «شمسی‌خاتون»، رییس ایل «ومریان» بود که پس از مرگ همسرش «محمد» به این مقام رسید. او نیز تا زمانی که پسرش به سن بلوغ رسید عهده‌دار این مقام بود و پس از آنکه پسرش به مقام پدر درآمد نام مادر بر او نهاده‌ند؛ «محمد شمس»، همچنین در مناطق دیگر زنان ریاست ایل و عشیره خود را برعهده داشته‌اند؛ از آن جمله «فصله‌خاتون» در ترکیه است که ۴۰سال و تا سال۱۹۶۳ایل «تمیکا» را رهبری می‌کرد.

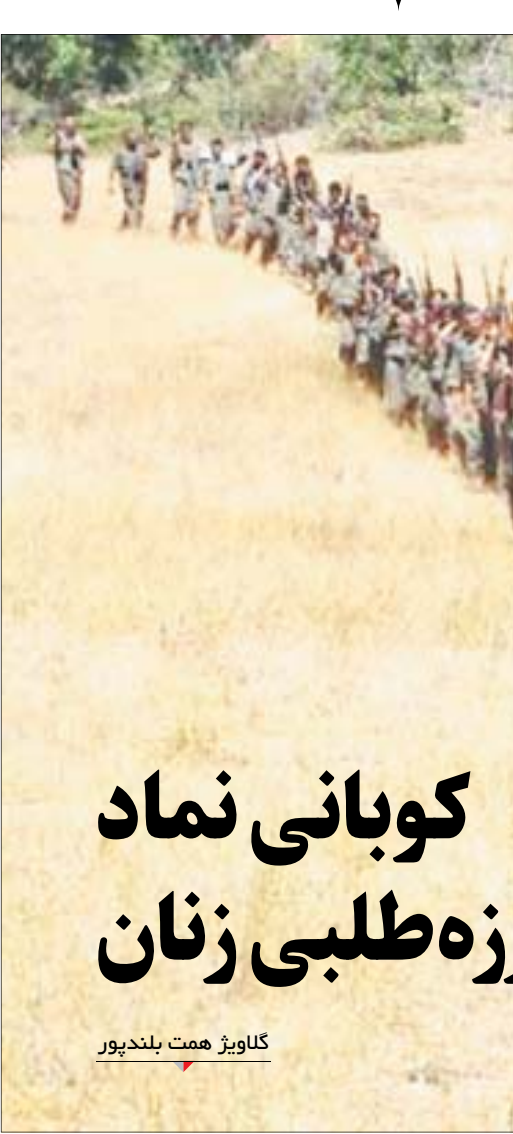
اما زنان نه فقط در مناسبات سیاسی و اجتماعی که در میدان نبرد و عرصه‌های نظامی نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند. «اولیا چلبی»، جهانگرد ترک در سفرنامه‌اش از یک فرمانده زن به نام «خانزاده‌سلطان» یاد می‌کند که در زمان سلطنت سلطان‌مراد چهارم، از سلاطین عثمانی در قرن هفدهم، دو امارت حریر و سوران (مناطق در شرق و شمال شرق ارمنی) را حکمرانی می‌کرد. خانزاده‌سلطان با نقابی بر صورت و عیابی سیاه بر دوش به‌مانند «سام» پسر «نریمان» پیشاپیش سپاه خود، فرماندهی قریب به ۱۲هزار سرباز پیاده‌نظام و ۱۰هزار سواره‌نظام را برعهده داشته است.

 	 	 	 	 	 	 	 	 	 	
در اینجا باید گفت تاریخ اگرچه در قیاس با	دیگر جوامع خاورمیانه موقعیت بهتری از زنان کرد	با به تصویر می‌کشد اما آنان همچنان از نابرابری جنسیتی به‌صورت عمومی آزاد دیده‌اند که تا به امروز نیز ادامه دارد.	به‌عنوان مثال زنان در جغرافیای سوریه از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند							

دو قرن پس از آن در جنگ کریمه، اروپایی‌ها به رشادت‌های فرمانده‌ای به نام «قره‌فاطمه‌خانوم» با دیده تحسین می‌نگریستند که هدایت و رهبری سپاه کردها در جبهه عثمانی را برعهده داشت. همسر «قره‌فاطمه‌خانوم» که رهبر بزرگ‌ترین ایل منطقه آناتولی شرقی آن زمان بود، پس از درگیری ر دولت مرکزی عثمانی زندانی می‌شود و قره‌فاطمه‌خانوم برای جلب رضایت دولت عثمانی و آزادی همسرش متعهد می‌شود با ۳۰۰نفر از بهترین مبارزش در حمایت از سپاه عثمانی به جنگ کریمه بپیوندد. در لرستان نیز دختری به‌نام قد مخیر(۱۳۱۲–۱۲۷۸ هجری شمسی) در خانواده‌ای سرشناس دوشادوش بردارن خود علیه حکومت‌های زمان قاجار و پهلوی مبارزه می‌کرده است.

تاریخ‌نگاران در میان نقش‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی زنان در جامعه کردها به نقش مذهبی آنان نیز پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال تمامی قبایل متعدد ایزدی که در مناطق مختلف کردستان زندگی می‌کرده‌اند، تحت رهبری شخصی به نام «میر» قرار داشته‌اند. در سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۵۷ «مایان‌خاتون»، میر ایزدی‌ها، رهبری آنان را برعهده داشته که از او به‌عنوان «مادران خود علیه حکومت‌های ایزدی نام می‌برند.

اینکه از حاکمان و رهبران زن زمان سخ و پهلوی نشان‌دهنده این نیست که زنان از برابری جنسیتی بهره تام برده‌اند؛ نابرابری در میان زنان و مردان در حوزه علم و ادب خود را نمایان می‌ساخته. آموختن علم و سواد تا اواخر قرن بیستم محدود به مردان و عالمان دینی مرد، کارمندان و اعضای خانواده‌های فنودال و تاجر بود. زنان در چنین بافت اجتماعی‌ای تنها از آموزش خصوصی می‌توانستند بهره ببرند. با این وجود و با تمام این محدودیت‌ها در حوزه ادب و فرهنگ نیز زنان شاعره کرد با به عرصه ظهور گذاشتند که از جمله می‌توان به ماه‌شرف خانوم (۱۲۲۷–۱۱۸۴ ه. ش) ملقب



به مستوره کردستانی (اردلان) اشاره کرد که به‌عنوان اولین تاریخ‌نگار زن خاورمیانه نیز از وی یاد می‌شود. از دیگرسو حاکمیت و رهبری زنان در مناطق تحت کنترل کردها در امپراتوری عثمانی امری طبیعی به شمار می‌رفته، به گونه‌ای که در قانون‌نامه‌های آن دوران تفویض قدرت از پدران به دختران به‌صورت قانونی ذکر شده است و این نشان از آن دارد که برابری دختران و پسران هرچند محدود به رسمیت شناخته شده است.

اگر متصفانه بنگریم نمونه‌های تاریخی تنها نشان می‌دهند که در مواردی زنان کرد از منظر اجتماعی جایگاه بالاتری نسبت به مردان داشته‌اند و از امتیازات ویژه‌ای که می‌توان گفت تا آن‌زمان در خاورمیانه بی‌سابقه بوده، برخوردار بوده‌اند. در این راستا بسیاری بر این باورند که زنان کرد متفاوت از زنان دیگر جوامع خاورمیانه بوده‌اند و گواه ادعای خود را وجود حاکمان زن می‌دانند چراکه در دیگر جوامع زنان بدین‌گونه نقش رهبری جامعه و قبایل خود را برعهده نداشته‌اند و مناسبات اجتماعی آنان بسیار محدودتر از زنان کرد بوده است.

نکته قابل‌توجه اینکه این زنان یا از خانواده‌های اشرافی زاده شده‌اند یا پس از فوت همسران حاکمشان به این جایگاه رسیده‌اند. یعنی همیشه در مسیر رهبری آنان مردی نقش داشته، اما این نیز نباید فراموش شود که تاریخ، این زنان را به نام خود و نه به نام همسرانشان به یاد می‌آورد. کما اینکه در مواردی این مردان بوده‌اند که به نام همسر یا مادرشان شناخته شده‌اند. به‌عنوان مثال «عثمان‌پاشا» را «همسر عاده‌خانم» می‌نامیدند.

برخی از عالمان و نویسندگان کرد در راستای ارتقای زندگی فردی و اجتماعی زنان کوشیده‌اند تا راه را برای علم‌آموزی زنان همپای مردان هموار کنند. حاجی‌قادرکویی شاعر بلندآوازه کرد که پیشرو علم و مدرنیته در اوایل قرن بیستم محسوب می‌شد، نقش مهمی در برابری مردان و زنان و علم‌آموزی آنان ایفا کرده است. وی معتقد بود که زنان نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند به همین دلیل باید از حقوق و امتیازی برابر با مردان برخوردار باشند. این آموزه‌ها راه را برای زنان نه‌تنها در روستاها که در شهرها نیز برای احقاق حقوقشان هموار کرد و شجاعت و جسارت لازم را به آنان داد تا از حقوق فردی و اجتماعی خود حمایت کنند؛ بدین‌ترتیب در همین راستا اولین سازمان زنان کرد به منظور بهبود وضعیت اجتماعی زنان در شهر استانبول در سال۱۹۱۹تأسیس شد.

در سوریه نیز سازمان‌هایی غیرانتفاعی در دفاع از حقوق زنان از دیرباز تأسیس شده‌اند که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی محلی نقش ایفا دادند نخستین حد و مرز نمی‌شادند و این وجود آدمی است که دنیا را حرکت می‌دهد و این غیرت و مقاوت انسان‌هاست که می‌تواند خط مقدم هردشمنی را به‌لرزه درآورد. هرچند زنان کرد در مقاطع مختلف توانستند دوشادوش مردان درمقابل دامالیامات مقاومت کنند، اما مقاومت اخیر زنان

در اینجا باید گفت تاریخ اگرچه در قیاس با دیگر جوامع خاورمیانه موقعیت بهتری از زنان کرد را به تصویر می‌کشد اما آنان همچنان از نابرابری جنسیتی به‌صورت عمومی آزاد دیده‌اند که تا به امروز نیز ادامه دارد. به‌عنوان مثال زنان در جغرافیای سوریه از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند. تا پیش از ناآرامی‌های سوریه زنان تنها ۱۲درصد از کرسی‌های مجلس و ۶درصد تا کرسی‌های وزارت در دستگاه دولت را برعهده داشته‌اند. برخلاف قانون اساسی سوریه که در سال۱۹۷۳ به تصویب رسید و باید در آن زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند، سهم آنان از کار در سال۲۰۰۹ تنها ۲۱درصد بوده است. بنابراین زنان با موانع ساختاری در مشارکت اجتماعی خود مواجه می‌شوند که دربرگیرنده محافظه‌کاری اجتماعی، نابرابری، خشونت جنسی و ناامنی فیزیکی در عرصه‌های اجتماعی، قانونگذاری و سیاسی است.

زنان در بیشتر جوامع متحمل تبعیض جنسیتی و آزار و خشونت نه‌تنها در روزن خود خانه که در لایه‌های مختلف اجتماع می‌شوند. نگاه از بالا به پایین به زن، جایگاه وی را تا حد ابزار تولیدمثل تنزل می‌دهد. یکی از دلایل پیوستن زنان به گروه‌های مبارز از زبان خود آنان، تغییر نگاه مردان و افراد جامعه به زن بوده به‌طوری‌که هرچند ممکن است در گذشته مورد آزار و تحقیر مردان خانواده قرارگرفته باشند، حال که سلاح به دست گرفته‌اند از احترام خاصی در میان مردان خانواده و اجتماع برخوردار شده‌اند. حضور آنان در میدان نبرد، سلاح به‌دست‌گرفتن و مبارزه با دشمنی که از مرگ‌آورترین و هولناک‌ترین دشمنان است به آنها اعتمادبه‌نفسی دوباره بخشیده تا قد علم کنند و از موجودیت و هستی خود دفاع کنند. زنان کوبانی نگاه همیشگی به زنان در جنگ را به‌عنوان قربانیان اصلی جنگ و تجاوز و بی‌پناهانی که باید پناه داده شوند، تغییر داده‌اند. گویی نه‌تنها در برابر داعش سلاح به دست گرفته‌اند که در برابر دید معیوب، بیمارگونه و مرتجعانه مردانه نسبت به زنان، قیام می‌کنند. به دیگر سخن زنان کوبانی نماد مبارزه‌طلبی زنان در راستای رسیدن به آرمان و دفاع از حق خویش هستند.

دریچه

زنانی که ماندگار شدند



در قلب خاورمیانه و در رویارویی با تروریستی‌ترین گروه‌های تاریخ یعنی داعش پدیده‌ای نامعقول قدرافراشت که نگاه جنسیتی را درمی‌نورد و چشمان دنیا را به خود خیره می‌کند. نامعمول بودن حضور زنان در جریان مردانه‌ترین پدیده اجتماعی یعنی جنگ آن هم در فضای تقریباً بسته خاورمیانه و آسیا و از آن مهم‌تر در مواجهه با گروهی تحجرگرا مانند داعش باعث شد تا نگاه بسیاری از دوربین‌ها و عکاسان به این‌دختران و زنان خیره بماند.

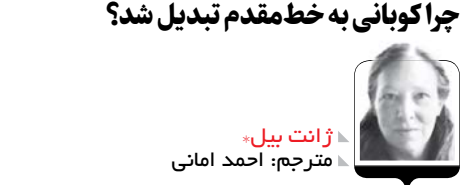
دخترانی با لباس‌های چربکی و باغیرت که در خط‌مقدم و با اسلحه‌هایی سنگین واکنش را برای مخاطبان این صحنه‌ها بیش از پیش متفاوت می‌کند. این زنان و دختران کار را به جایی رساندند که بسیاری از تحلیل‌گران غربی و بین‌الملل به ناچار آزادی این شهر کوچک را مدیون وجود همین زن‌ها می‌دانند. این روزها کوبانی را بسیاری با زنان مبارزی می‌شناسند که دوشادوش مردان سلاح به دست گرفتند و جنگیدند.

بی‌شک تاریخ، شیر زنان کوبانی را خواهد ستود و مدعیان مردانگی را در جبهه توحش و توطئه علامت خواهدکرد و نام آنهایی که برای شرافت و خاک درمان بوی باروت و صغیر گلوله‌ها جنگیدند و خوشان بر دیوارهای کوبانی نقش بست، در حافظه تاریخ حک خواهندشد. اینجا کوبانی است، سرزمین شیرزنانی که عزت مقاومت را به ذلت سازش ترجیح دادند. کوبانی جایی برای درخشش زنانی است که با اتحاد و بدون در نظر گرفتن سطح تحصیلات و مقام به هم پیوستند و شهرشان را از وحشی‌گری‌ها و خفقالنی که در انتظار آینده این سرزمین و فرزندانشان بود نجات دادند. دخترانی که زن بودن را فراتر از مقاصد سیاسی و تجاری و فرهنگی کشورهای دنیا که عمدتاً در محیطی به دور از آمانی به فعالیت خود می‌پردازند، در محیطی که هرلحظه آن دست‌وپنجه‌نرکردن با جانشان بود به‌رخ‌کشیدند. شاید روح لطیف و حساس خصلتی باشد که هرخوانده‌ای را یاد جنس زن و زنانگی می‌اندازند و بی‌شک همین از نقاط دنیا قاضی است که دست و پای یک‌زن را برای کارهای بزرگ می‌بندد و نمی‌گذارد زن‌ها در بسیاری از نقاط دنیا قاضی داد بشاوند، نمی‌گذارد حق رای برای کشورشان داشته باشند و نمی‌گذارد برای حس زنانگی شان به مقام‌های بالائی در لیاقتشان برسند. اما این دختران

و زنان کرد کوبانی بودند که نشان دادند جنسیت حد و مرز نمی‌شادند و این وجود آدمی است که دنیا را حرکت می‌دهد و این غیرت و مقاوت انسان‌هاست که می‌تواند خط مقدم هردشمنی را به‌لرزه درآورد. هرچند زنان کرد در مقاطع مختلف توانستند دوشادوش مردان درمقابل دامالیامات مقاومت کنند، اما مقاومت اخیر زنان در اینجا باید گفت تاریخ اگرچه در قیاس با دیگر جوامع خاورمیانه موقعیت بهتری از زنان کرد را به تصویر می‌کشد اما آنان همچنان از نابرابری جنسیتی به‌صورت عمومی آزاد دیده‌اند که تا به امروز نیز ادامه دارد. به‌عنوان مثال زنان در جغرافیای سوریه از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند. تا پیش از ناآرامی‌های سوریه زنان تنها ۱۲درصد از کرسی‌های مجلس و ۶درصد تا کرسی‌های وزارت در دستگاه دولت را برعهده داشته‌اند. برخلاف قانون اساسی سوریه که در سال۱۹۷۳ به تصویب رسید و باید در آن زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند، سهم آنان از کار در سال۲۰۰۹ تنها ۲۱درصد بوده است. بنابراین زنان با موانع ساختاری در مشارکت اجتماعی خود مواجه می‌شوند که دربرگیرنده محافظه‌کاری اجتماعی، نابرابری، خشونت جنسی و ناامنی فیزیکی در عرصه‌های اجتماعی، قانونگذاری و سیاسی است.

زنان در بیشتر جوامع متحمل تبعیض جنسیتی و آزار و خشونت نه‌تنها در روزن خود خانه که در لایه‌های مختلف اجتماع می‌شوند. نگاه از بالا به پایین به زن، جایگاه وی را تا حد ابزار تولیدمثل تنزل می‌دهد. یکی از دلایل پیوستن زنان به گروه‌های مبارز از زبان خود آنان، تغییر نگاه مردان و افراد جامعه به زن بوده به‌طوری‌که هرچند ممکن است در گذشته مورد آزار و تحقیر مردان خانواده قرارگرفته باشند، حال که سلاح به دست گرفته‌اند از احترام خاصی در میان مردان خانواده و اجتماع برخوردار شده‌اند. حضور آنان در میدان نبرد، سلاح به‌دست‌گرفتن و مبارزه با دشمنی که از مرگ‌آورترین و هولناک‌ترین دشمنان است به آنها اعتمادبه‌نفسی دوباره بخشیده تا قد علم کنند و از موجودیت و هستی خود دفاع کنند. زنان کوبانی نگاه همیشگی به زنان در جنگ را به‌عنوان قربانیان اصلی جنگ و تجاوز و بی‌پناهانی که باید پناه داده شوند، تغییر داده‌اند. گویی نه‌تنها در برابر داعش سلاح به دست گرفته‌اند که در برابر دید معیوب، بیمارگونه و مرتجعانه مردانه نسبت به زنان، قیام می‌کنند. به دیگر سخن زنان کوبانی نماد مبارزه‌طلبی زنان در راستای رسیدن به آرمان و دفاع از حق خویش هستند.

شوق



در دسامبر۲۰۱۴، من به‌همراه هیاتی دانشگاهی از مرز ترکیه وارد شهر سرکانی شدیم؛ شهری کردنشین که نیروهای ی‌پ‌ک در آن مستقر بودند. آزادسازی حیرت‌آور کوبانی توسط نیروی‌های کرد سوری س‌زاوار هرگونه تحسین و تمجید جهانی است؛ اما باین‌حال ما باید بدانیم کوبانی اولین شهری نیست که توسط جهادبان سنی مورد حمله قرار گرفته است. در نوامبر سال۲۰۱۲، جبهه النصره و شاخه‌های محلی القاعده یورش تمام‌عیار را علیه شهر سرکانی، با جمعیتی ۵۰هزارنفری، آغاز کردند تا با تصرف این شهر مناطق تحت‌کنترل خویش را به خاک ترکیه متصل کنند، اما نیروهای کرد به‌خوبی مقاومت کردند. هرچند مناطق عرب سنی‌نشین در جنوب سوریه و شهر سرکانی واقع شده‌اند، اما مردم سرکانی در کمال تعجب شاهد آن بودند که نیروی تمام مسلح از شمال شهر و از راه خاک ترکیه و نه از جنوب شهر، تحت لوای مخالفان حکومت مرکزی، وارد شهر می‌شود و از خانه‌های مردم به‌عنوان پایگاه‌های نظامی استفاده می‌کند. عاسیه عبدالله، مسئول شهر سرکانی، در این رابطه می‌گوید: «ما همان‌موقع دریافتیم ترکیه نیروهای تروریستی النصره را به اسم مخالفان اسد وارد شهر می‌کند تا با کنترل تمام‌عیار سرکانی، راه اتصال ترکیه به مناطق سنی‌نشین جنوب سرکانی را باز کند. این نقض آشکار قوانین بین‌المللی است و بارها اعتراض خویش را به گوش جهانیان رساندیم.» در آن زمان رسانه‌های بین‌المللی چشمان خویش را بر این کار بستند.

بمبافکن‌های حکومت مرکزی بلافاصله وارد عرصه شدند و شهر را بمباران کردند، اما متأسفانه در این بمباران‌ها تنها خانه‌های مردم ویران شد و تعداد زیادی غیرنظامی قربانی شدند و وحشت تمامی شهر را فراگرفت و مردم فرار را بر قرار ترجیح دادند، در این زمان بود که ی‌پ‌ک شروع به بسیج‌کردن و مسلح‌کردن مردم کرد و مقاومت بی‌بدیل را علیه تروریستان النصره که از راه ترکیه وارد می‌شدند، شکل داد. هفت‌روز پس از اشغال سرکانی توسط النصره و القاعده، نیروهای مبارز کرد از تمامی شهرهای کردنشین سوریه به‌طرف سرکانی سرازیر شدند و جبهه النصره ناچار برای جلوگیری از پیشروی مبارزان کرد راه‌های منتهی‌به سرکانی را مسدود کرد. ی‌پ‌ک ابتدا خواستار گفت‌وگو با النصره بود، اما النصره تمامی هیات محلی فرستاده شده را به گلوه بست، ی‌پ‌ک به تمامی مردم اعلام کرد ترکیه به‌دنبال آغاز جنگی تمام‌عیار بین کردها و اعراب است و برای نیل به این هدف از تروریست‌های جهادی سود می‌جوید. روز بیستم‌نوامبر ارتش ترکیه برای آغاز جنگ بین کردها و اعراب به توپ‌خانه‌های خویش که در مرز سرکانی مستقر شده بودند، دستور داد تمامی مواضع نیروهای ی‌پ‌ک را در سرکانی به گلوه ببندند تا نیروهای النصره و القاعده موفق به کنترل تمامی نقاط حساس شهر و اطراف آن شوند. نبردی سهمگین میان نیروهای کرد و تروریست‌های النصره و القاعده با پشتیبانی آشکار ترکیه آغاز شد. در مدتی کوتاه ضرباتی سهمگین بر پیکره نیروهای النصره وارد شد و زخمی‌های النصره آشکارا با آمبولانس‌های ترکی برای مداوا به ترکیه منتقل می‌شدند، اما در آن‌سو نیروی‌های مبارز کرد به هیچ‌گونه امکانات لجستیکی و پزشکی دسترسی نداشتند. ۲۰روز پس از جنگی تمام‌عیار با پشتیبانی آشکار تانک‌های ترکی که وارد بخش شمالی شهر شده بودند، تروریست‌های النصره به ناچار پیشنهاد آتش‌بس به ی‌پ‌ک دادند و این آتش‌بس به‌مدت دوماه دوام آورد، اما این آتش‌بس تنها حربه‌ای بود برای سرازیرکردن ۱۵۰هزارنصره تازه‌نفس و تمامی مسلح شده سلاح‌های ترکیه‌ای، به شهر بعد. در ۱۶دوماه آتش‌بس، ۱۵۰۰تروریست از ۲۰۰گشته و چندصدتن زخمی و انهدام هر سه‌تانک ترکیه‌ای این‌بار از تمامی شهر گریختند و دوباره وارد خاک ترکیه شدند. این‌بار ترکیه به‌بانه حقوق اعراب سنی پای ارتش آزاد سوریه را به ماجرا باز کرد و ی‌پ‌ک با پادرمیانی اعراب سنی داد النصره تمامی تروریست‌های گرفتارشده خویش در سرکانی را بدون تیراندازی به ترکیه منتقل کند. صالح مسلم در اولین گام برای جلوگیری از تفرقه‌اندازی‌های ترکیه تمامی هیات‌های محلی را به خود مردم محلی اعم از کرد، مسیحی، از خاک ترکیه به سرکانی حمله کرد و این‌بار با دفاعی برق‌آسا از جانب ی‌پ‌ک رویه‌رو شدند و تنها در طول دوروز بسیاری از جهادیون به اسارت نیروهای کرد درآمدند و با کمال تعجب اسیران النصره دارای گزنامه رسمی ترکیه بودند. زمانی که ما در سال۲۰۱۴ وارد سرکانی شدیم، شهر نسبتاً آرام بود و تنها در ۲۵کیلومتری غرب سرکانی جنگی تمام‌عیار با تروریست‌های داعش در جریان بود، اما آنها در طول سه‌سال گذشته دیگر هرگز نتوانستند وارد شهر شوند اگرچه توپخانه‌های نصره به‌صورت مداوم آنها را پشتیبانی می‌کرد. دکتر حسین کوچه‌ر، از مسئولان شهر به ما می‌گوید: «در سرکانی و روستاوار مردم خود همه‌کاره هستند و شوراهای محلی تمامی وظایف دولتی را انجام می‌دهند. اینجا مردم از جامعه خویش و نه کلتیی به‌نام دولت دفاع می‌کنند. در سرکانی بالغ‌بر صدها جنگجوی عرب در صف مقدم جنگ با داعش درحال نبرد هستند، چون از سوی ما هیچ چیزی به آنها و زندگیشان تحمیل نشده است. اینجا کرد و مسیحی و ارمنی و عرب از خانه خویش دفاع می‌کنند، اما داعشی‌ها از چنین و از طریق ترکیه، تروریست وارد می‌کنند تا به مقاصد پلید خویش دست یابند. دکتر کوچه‌ر می‌افزاید: «چه روی می‌دهد زمانی‌که ما روستاهای عرب‌نشین را آزاد می‌کنیم؟ ما تمامی کارها را به یک‌شواری محلی از میان خودشان واگذار می‌کنیم، ما از چین تروریست‌ها را به اسم والی بر زندگی و ناموسشان حاکم نمی‌کنیم. به‌همین‌دلیل ساده درحال حاضر خط‌مقدم جنگی سرکانی به روستاهای عرب‌نشین منتقل‌شده و هرروز هم روستاهای بیشتری را آزاد می‌کنیم، ما به‌خوبی می‌دانیم این روستاها پشتیبان داعش بودند، اما با نشان دادن سیستم خویش به آنها تمامی ترفندهای داعش را که به اسم اسلام انجام می‌دهند، نقش‌برآب می‌کنیم.» دکتر حسین کوچه‌ر می‌افزاید: «هرروز روستاهای بیشتری به سرکانی و نظام شورایی حاکم‌بر این شهر می‌پیوندند، درحال حاضر ما از سوی ترکیه محاصره شدیم و حکومت کردستان عراق هم تمامی راه‌ها را بر ما بسته است. در طول دوسال گذشته هم تحریم شدیم، هم جنگی تمام‌عیار بر ما تحمیل شده، اما در عمل و در اینجا اتفاقاتی برخلاف انتظار ترکیه درحال گسترش است و دقیقاً به‌همین‌دلیل است که ترکیه و داعش برای خروج از این شکست روزافزون خویش کوبانی را محاصره کردند. ما از سرکانی درحال پیروزشدن بر تروریست‌های النصره و القاعده و داعش هستیم و ترکیه با تصرف کوبانی می‌خواهد از شکست تمام‌عیار داعش جلوگیری کند.»

«پیوسته و پژوهشگر اجتماعی-سیاسی آمریکایی